

## ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سندرم سیندرلا در دانشجویان دختر

### The Psychometric Properties of the Persian Version of the Cinderella Syndrome Scale in Female Students

Hanie Ojaghizadeh, MSc

Fakhrossadat Ghoreyshi-Rad, PhD<sup>✉</sup>

Rahim Yousefi, PhD

هانیه اوجاجی زاده<sup>۱</sup>فخرالسادات قریشی راد<sup>۲</sup>رحیم یوسفی<sup>۱</sup>

#### Abstract

Cinderella Syndrome refers to a pattern of dependency-oriented beliefs and attitudes that are largely shaped by traditional gender stereotypes and may hinder women's psychological autonomy and personal growth. Given the cultural sensitivity of this construct, the availability of culturally adapted and psychometrically sound instruments is essential. The present study aimed to translate, culturally adapt, and examine the psychometric properties of the Persian version of the Cinderella Syndrome Scale among Iranian female university students. This descriptive-correlational psychometric study was conducted on a sample of 406 female students from the University of Guilan during the 2020–2021 academic year, selected through purposive sampling. Following translation and back-translation procedures, face and content validity were evaluated by experts. Construct validity was assessed using exploratory and confirmatory factor analyses, and convergent validity was examined through correlations with the Dependent Personality Inventory and the Interpersonal Dependency Scale. Reliability was assessed using Cronbach's alpha coefficients and test-retest method. Data were analyzed using SPSS-25 and LISREL-10 software. Exploratory factor analysis supported a three-factor structure consisting of gender attitude, irresponsibility, and job abandonment, accounting for 43% of the total variance. Confirmatory factor analysis indicated a good fit for the three-factor model (RMSEA = 0.02, CFI = 0.95). Cronbach's alpha coefficients ranged from 0.77 to 0.82 for the subscales and were 0.72 for the total scale. Significant positive correlations were found between Cinderella Syndrome scores and measures of dependent personality and interpersonal dependency, supporting convergent validity. The findings suggest that the Persian version of the Cinderella Syndrome Scale has acceptable reliability and validity and can be used as a reliable instrument for assessing Cinderella Syndrome in Iranian research and clinical settings.

**Keywords:** Cinderella Syndrome, Gender Role, Gender Stereotype, Psychometric Properties, Female Students.

#### چکیده

سندرم سیندرلا به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و باورهای وابسته‌محور اشاره دارد که در بستر کلیشه‌های جنسیتی سنتی شکل می‌گیرد و می‌تواند مانعی برای استقلال روانی و رشد فردی زنان باشد. هدف پژوهش حاضر ترجمه، بومی‌سازی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس سندرم سیندرلا در میان دانشجویان دختر ایرانی بود. پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و با رویکرد روان‌سنجی انجام شد. جامعه آماری شامل دانشجویان دختر دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که ۴۰۶ نفر به روش هدف‌مند انتخاب شدند. پس از انجام فرایند ترجمه و بازترجمه، روایی صوری و محتوایی با نظر متخصصان بررسی شد. روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و روایی همگرا از طریق همبستگی با مقیاس اختلال شخصیت وابسته و مقیاس وابستگی به دیگران ارزیابی گردید. اعتبار ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ و روش بازآزمایی محاسبه شد. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزارهای SPSS-25 و LISREL-10 انجام گرفت. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار سه‌عاملی مقیاس شامل نگرش جنسی، نبود مسئولیت‌پذیری و ترک شغل را تأیید کرد که در مجموع ۴۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کردند. تحلیل عاملی تأییدی نیز برازش مناسب مدل سه‌عاملی را نشان داد (RMSEA = 0/02, CFI = 0/95). ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۷ تا ۰/۸۲ و برای نمره کل ۰/۷۲ به‌دست آمد. همچنین، همبستگی‌های مثبت و معناداری بین نمرات سندرم سیندرلا با اختلال شخصیت وابسته و وابستگی به دیگران مشاهده شد که مؤید روایی همگرای ابزار است. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان داد نسخه فارسی مقیاس سندرم سیندرلا از روایی و اعتبار قابل‌قبولی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر در پژوهش‌های روان‌شناختی و کاربردهای بالینی در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** سندرم سیندرلا، نقش جنسیتی، کلیشه جنسیتی، ویژگی‌های روان‌سنجی، دانشجویان دختر.

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۲۶ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۲/۱۴

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

## ● مقدمه

نقش‌های جنسیتی (gender roles) به‌عنوان سازه‌هایی اجتماعی و فرهنگی، یکی از مؤلفه‌های بنیادین در شکل‌دهی به نگرش‌ها، رفتارها و الگوهای تعامل فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند. این نقش‌ها مجموعه‌ای از انتظارات هنجاری هستند که براساس جنسیت اجتماعی تعریف شده و از طریق فرایند جامعه‌پذیری به افراد منتقل می‌شوند (اوزر و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نقش‌های جنسیتی نه تنها بر انتخاب‌های فردی مانند مسیر شغلی، سبک ارتباطی و نقش‌های خانوادگی اثر می‌گذارند، بلکه پیامدهای روان‌شناختی عمیقی نظیر عزت‌نفس، خودکارآمدی، استقلال روانی و سلامت روانی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (هایده و همکاران، ۲۰۲۲).

فرایند درونی‌سازی نقش‌های جنسیتی از سال‌های اولیه زندگی آغاز می‌شود و تحت تأثیر عوامل متعددی از جمله خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌های جمعی و هنجارهای فرهنگی قرار دارد. در این میان، رسانه‌ها با بازنمایی کلیشه‌ای از زنان و مردان، نقش مهمی در تثبیت الگوهای سنتی جنسیتی ایفا می‌کنند. شواهد پژوهشی جدید نشان می‌دهد که زنان در بسیاری از جوامع همچنان به‌طور غالب با ویژگی‌هایی نظیر وابستگی، نیاز به حمایت، عاطفه‌محوری و اجتناب از ریسک معرفی می‌شوند، درحالی‌که مردان با صفاتی همچون استقلال، سلطه‌گری و خودمختاری شناخته می‌شوند (اگلی و وود، ۲۰۲۳). این بازنمایی‌های نابرابر می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرش‌های محدودکننده نسبت به توانمندی‌ها و نقش‌های اجتماعی زنان شود.

در برخی موارد، نقش‌پذیری جنسیتی از حالت توصیفی فراتر رفته و به کلیشه‌های تجویزی (prescriptive stereotypes) و بازدارنده تبدیل می‌شود. کلیشه‌های تجویزی، باورهایی هنجاری هستند که مشخص می‌کنند افراد براساس جنسیت خود باید چگونه رفتار کنند و چه ویژگی‌هایی را بروز دهند یا سرکوب نمایند. این کلیشه‌ها دارای ابعاد مثبت و منفی‌اند؛ به این معنا که برخی رفتارها برای یک جنس تشویق و برای جنس دیگر منع می‌شوند (رودمن و همکاران، ۲۰۱۲). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی سنتی با افزایش وابستگی روانی، کاهش خودمختاری تصمیم‌گیری و شکل‌گیری الگوهای ناسازگارانه در روابط صمیمانه ارتباط معناداری دارد (وسیکو و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از پیامدهای روان‌شناختی مورد توجه در چارچوب کلیشه‌های جنسیتی سنتی، مفهومی است که با عنوان سندرم سیندرلا (Cinderella syndrome) شناخته می‌شود. این سندرم به‌الگویی از نگرش‌ها و باورها اشاره دارد که در آن فرد (بیشتر زنان) تمایل دارد مسئولیت‌های اساسی زندگی را به دیگری واگذار کند و برای احساس امنیت، هویت و ارزش‌مندی به حمایت بیرونی متکی باشد. این الگو می‌تواند مانعی جدی در مسیر رشد فردی، استقلال روانی و تحقق توانمندی‌های بالقوه زنان ایجاد کند (داولینگ، ۱۹۹۸).

اگرچه مفهوم سندرم سیندرلا نخستین‌بار در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد، پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که این الگو همچنان در قالب‌های جدیدتری از وابستگی عاطفی، ترس از استقلال، اجتناب از مسئولیت‌پذیری و نگرش‌های منفی نسبت به خودمختاری زنان مشاهده می‌شود (دمیر و همکاران، ۲۰۲۱؛ سو و ژو، ۲۰۱۸). مطالعات جدیدتر نیز، نشان داده‌اند که این نگرش‌ها می‌توانند با متغیرهایی نظیر عزت‌نفس پایین، خودکارآمدی کاهش‌یافته، اضطراب بین‌فردی و نارضایتی از روابط صمیمانه همبستگی داشته باشند (هایده و همکاران، ۲۰۲۲).

داولینگ (۱۹۹۸) سندرم سیندرلا را نتیجه ترس‌های درونی‌شده و نگرش‌های محدودکننده‌ای می‌داند که زنان را از استفاده کامل از ظرفیت‌های شناختی و اخلاقی خود باز می‌دارد و آنان را به انتظار حمایت یا نجات از سوی منابع بیرونی سوق می‌دهد. با این حال، یکی از محدودیت‌های اساسی رویکرد اولیه داولینگ، فقدان ابزار روان‌سنجی استاندارد برای سنجش تجربی این سازه بوده است. این خلا موجب شد پژوهش‌های بعدی در جهت عملیاتی‌سازی و اندازه‌گیری این مفهوم گام بردارند. در این راستا، ساها و صفری (۲۰۱۶) نخستین مقیاس سنجش سندرم سیندرلا را با تمرکز بر وابستگی زنان طراحی کردند. هرچند این ابزار سهم مهمی در ورود این مفهوم به حوزه پژوهش‌های تجربی داشت، اما از نظر مفهومی و روش‌شناختی با محدودیت‌هایی همراه بود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به تقلیل سندرم سیندرلا به وابستگی صرف به مردان، حجم نمونه محدود و فقدان تحلیل عاملی اکتشافی جامع اشاره کرد. در ادامه این تلاش‌ها، دمیر و همکاران (۲۰۲۱) با بهره‌گیری از ادبیات نظری و پژوهشی موجود، اقدام به طراحی و اعتباریابی مقیاسی ۲۵ ماده‌ای

برای سنجش سندرم سیندرلا کردند. این مقیاس ابعاد گسترده‌تری از این سازه را شامل می‌شود و علاوه بر وابستگی روانی، مؤلفه‌هایی نظیر نگرش به استقلال، مسئولیت‌پذیری و روابط صمیمانه را نیز مورد سنجش قرار می‌دهد. نتایج تحلیل‌های عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که این ابزار از ساختار عاملی منسجم و اعتبار مطلوب برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر در پژوهش‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد.

با وجود پیشرفت‌های صورت‌گرفته در سنجش سندرم سیندرلا، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بروز و تداوم این الگو می‌تواند تحت تأثیر عوامل فرهنگی قرار گیرد. تفاوت‌های فرهنگی در درونی‌سازی نقش‌های جنسیتی، نگرش به استقلال فردی و انتظارات اجتماعی از زنان، ضرورت اعتبارسنجی بین‌فرهنگی ابزارهای سنجش این سازه را برجسته می‌سازد (وسیکو و همکاران، ۲۰۲۳). در جوامع جمع‌گرا، وابستگی بین‌فردی ممکن است به‌صورت هنجاری پذیرفته شود، درحالی‌که در جوامع فردگرا استقلال فردی ارزش بیشتری دارد (اگلی و وود، ۲۰۲۳). از این‌رو، بررسی روایی و اعتبار ابزارهای سنجش سندرم سیندرلا در بافت‌های فرهنگی مختلف اهمیت ویژه‌ای دارد. در جامعه ایرانی، با توجه به نقش پررنگ هنجارهای فرهنگی و مذهبی در تعریف نقش‌های جنسیتی، امکان بروز نگرش‌های وابسته‌محور در زنان وجود دارد (صادق‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳؛ حسن‌آبادی و ترابی، ۱۴۰۲). با این حال، تاکنون ابزار استاندارد و اعتباریافته‌ای برای سنجش سندرم سیندرلا در این جامعه گزارش نشده است. نبود چنین ابزاری می‌تواند مانعی در مسیر پژوهش‌های دقیق و طراحی مداخله‌های روان‌شناختی مبتنی بر شواهد باشد. پژوهش‌های اخیر نیز بر ضرورت توسعه و بومی‌سازی ابزارهای روان‌سنجی برای بررسی سازه‌های مرتبط با جنسیت و استقلال روانی در بافت فرهنگی ایران تأکید کرده‌اند (اعتصامی‌پور و پورمحسنی کلوری، ۱۴۰۴). بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف ترجمه، بومی‌سازی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سندرم سیندرلا دمیر و همکاران (۲۰۲۱) در میان دانشجویان ایرانی انجام گرفت.

## • روش

روش این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی است و با هدف ترجمه، توسعه و اعتباریابی یک ابزار سنجش روان‌شناختی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر دانشگاه گیلان با حجم ۱۰۴۴۱ نفر بودند که در نیم سال دوم تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مشغول به تحصیل بوده‌اند. پس از ترجمه نسخه اصلی مقیاس از زبان انگلیسی به فارسی و بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان، اعتبار ابزار با استفاده از شیوه‌های مختلف شامل روایی صوری، روایی محتوایی، روایی همگرا و نیز تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی بررسی شد. اعتبار ابزار نیز از طریق محاسبه آلفای کرونباخ و آزمون بازآزمون در دو نوبت زمانی ارزیابی گردید. تمامی مراحل به دقت اجرا شد تا اطمینان حاصل شود که پرسشنامه از سطح مطلوبی از روایی و اعتبار برخوردار است. کلیه تحلیل‌های آماری با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و LISREL ۱۰ انجام گرفت. نمونه‌گیری به روش هدفمند صورت گرفت. حداقل حجم نمونه آماری تحلیل عامل تأییدی براساس تعداد سازه‌های اصلی یا متغیرهای پنهان تعیین می‌شود. برای هر متغیر مشاهده‌پذیر ۵ تا ۱۰ نمونه لازم است (سرمد و همکاران، ۱۳۹۳). علاوه بر این، حداقل تعداد نمونه آماری برای انجام تحلیل عامل تأییدی و اکتشافی، ۲۰۰ نفر پیشنهاد شده است (هولتر، ۱۹۸۳؛ گارور و منتزر، ۱۹۹۹؛ سیوو و همکاران، ۲۰۰۶؛ هو، ۲۰۰۸). بنابراین در این پژوهش حجم نمونه آماری ۴۰۶ نفر لحاظ شد. دانشجویان پس از دریافت توضیحات لازم و اعلام رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت کردند. اطلاعاتی درباره اهداف مطالعه، محرمانه‌بودن هویت شرکت‌کنندگان و امکان انصراف در هر مرحله از پژوهش به آنان ارائه شد. شرایط ورود به پژوهش شامل دانشجوی دختر دانشگاه گیلان بودن، حداقل سن ۱۸ تا ۴۵ سال، تمایل به همکاری و شرکت در پژوهش، توانایی برقراری ارتباط و تسلط به زبان فارسی. ملاک‌های خروج: عدم همکاری، بیماری پزشکی، مصرف دارو و سوء‌مصرف مواد در صورت خوداظهاری بود در نظر گرفته شد. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، پرسشنامه‌ها به‌صورت ناشناس تکمیل گردید و رضایت آگاهانه کتبی از شرکت‌کنندگان اخذ شد.

نسخه اصلی این مقیاس به زبان انگلیسی تدوین شده بود؛ از این‌رو، ماده‌ها ابتدا از طریق یک فرآیند ترجمه تخصصی به زبان فارسی برگردانده شدند. برای اطمینان از صحت و معادل‌یابی مناسب، نسخه فارسی توسط گروهی از مترجمان به‌طور مستقل مجدداً به انگلیسی بازگردانده و مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه، به منظور افزایش وضوح و سهولت درک ماده‌ها، اصلاحات جزئی در برخی عبارات صورت گرفت، بدون آنکه تغییری در معنای اصلی و محتوای ماده‌ها ایجاد شود.

در این بخش، از شاخص‌های آمار توصیفی برای ترسیم نمای کلی از داده‌ها استفاده شد. معیارهایی همچون میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی محاسبه گردید تا ویژگی‌های اصلی داده‌ها مشخص شود و تحلیل اولیه‌ای از توزیع متغیرها ارائه شود. نتایج نشان داد که مقادیر کشیدگی و چولگی تمامی متغیرها در بازه‌ی قابل قبول (۲- تا ۲+) قرار دارند و به همین دلیل امکان به‌کارگیری آزمون‌های پارامتریک و تحلیل‌های مبتنی بر مدل معادلات ساختاری فراهم شد. برای ارزیابی اعتبار ابزار، دو شاخص اصلی در نظر گرفته شد: ضریب آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی. ضریب آلفای کرونباخ به‌عنوان شاخصی برای سنجش میزان همسانی درونی آیتم‌ها محاسبه گردید و مقادیر به‌دست‌آمده نشان‌دهنده سطح مطلوب سازگاری میان ماده‌های مقیاس بود. برای بررسی اعتبار زمانی، آزمون بازآزمایی انجام شد. بدین منظور، ۴۰ نفر از شرکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پس از گذشت چهار هفته مجدداً به پرسشنامه پاسخ دادند. میزان همبستگی بین دو نوبت اجرا با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شد. ضرایب به‌دست‌آمده در دامنه‌ای قرار گرفتند که بر اساس معیارهای پذیرفته‌شده (کوهن و همکاران، ۲۰۱۸). نشان‌دهنده ثبات زمانی و اعتبار مناسب ابزار بود.

### روایی محتوا و صوری

برای اطمینان از روایی محتوا ابزار، از قضاوت خبرگان استفاده شد. بدین منظور، نسخه اولیه پرسشنامه در اختیار ۱۰ متخصص حوزه روان‌شناسی و استادان دانشگاه قرار گرفت. از آنان خواسته شد تا هر یک از ماده‌ها را از نظر وضوح، تناسب، ضرورت و شفافیت مورد بررسی قرار دهند. پیشنهادهای و اصلاحات ارائه‌شده توسط متخصصان گردآوری و در نسخه نهایی پرسشنامه اعمال گردید. علاوه بر این، به‌منظور کمی‌سازی روایی محتوایی، شاخص نسبت ضریب روایی محتوا (Content Validity Ratio) و شاخص روایی محتوا (Content Validity Index) برای هر ماده محاسبه شد. ماده‌هایی که مقادیر CVR و CVI آن‌ها کمتر از ۰/۶۳ بودند، حذف یا مورد بازنگری قرار گرفتند. روایی صوری نیز به معنای ارزیابی میزان مناسب بودن ظاهر ابزار برای سنجش سازه موردنظر، به‌ویژه از دیدگاه پاسخ‌دهندگان است. در این پژوهش، روایی صوری از طریق دو رویکرد کیفی و کمی بررسی شد. برای ارزیابی کیفی، از گروهی متشکل از ۱۰ متخصص روان‌شناسی خواسته شد تا پرسشنامه را به دقت مطالعه کرده و بازخوردهای اصلاحی خود را به‌صورت مکتوب ارائه دهند. در این فرآیند، عواملی مانند سطح دشواری ماده‌ها، وضوح و شفافیت عبارات، تناسب واژگان، وجود محدودیت‌های معنایی، رعایت قواعد دستوری، اهمیت و جایگاه هر سوال، و مدت زمان لازم برای تکمیل پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در بخش کمی، تأثیر هر آیتم محاسبه شد تا از مقبولیت و تناسب ظاهری ابزار اطمینان حاصل شود.

### تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی

به‌منظور شناسایی ساختار عاملی مقیاس و بررسی روایی سازه، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش مؤلفه‌های اصلی (principal components analysis) و چرخش متعامد واریماکس (Varimax rotation) استفاده شد. برای بررسی ساختار عاملی مقیاس سندرم سیندرلا از روش اعتباریابی متقاطع (cross-validation) استفاده شد، به این صورت که نمونه پژوهش به دو گروه ۲۰۳ نفری تقسیم شد؛ روی گروه اول، تحلیل عاملی اکتشافی و روی گروه دوم، تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. برای ارزیابی برازش مدل، شاخص‌های متنوعی شامل نسبت مجذور خی به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ )، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)، شاخص برازش فزاینده (IFI)، شاخص توکر-لوئیس (TLI)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI) و خطای ریشه میانگین مجذور تقریب (RMSEA) محاسبه و گزارش گردید. نتایج این شاخص‌ها بیانگر برازش مناسب مدل پیشنهادی با داده‌های پژوهش بود.

### روایی همگرا

روایی همگرایی مقیاس با مقیاس تجدید نظر شده اختلال شخصیت وابسته هوبر (۲۰۰۷) و مقیاس وابستگی به دیگران هرشفیلد و همکاران (۱۹۹۷) ارزیابی شد. تحلیل‌های آماری این بخش با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS25 انجام شد.

### ابزارها

**الف) مقیاس سندرم سیندرلا (Cinderella syndrome scale- CSS):** این مقیاس توسط دمیر و همکاران (۲۰۲۱) به‌منظور سنجش سندرم سیندرلا ساخته شده است. مقیاس شامل ۲۵ ماده است که در یک طیف لیکرت ۵ امتیازی از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره‌گذاری شده است. مقیاس دارای سه خرده‌مقیاس (نگرش جنسیتی، نبود مسئولیت‌پذیری و ترک شغل) است. کمترین نمره‌ای که

می‌توان از مقیاس به‌دست آورد ۲۵ و بالاترین نمره ۱۲۵ است. کسب نمره بالا از مقیاس نشان‌دهنده بالا بودن سطح سندرم سیندرلا است. سازندگان اعتبار مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ و اعتبار دونیمه کردن، ۰/۹۴ و ضریب اعتبار نصف برای نیمه اول و دوم به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۹۰ بیان نموده‌اند. همچنین، ضریب همسانی درونی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس نگرش جنسیتی ۰/۷۷ نبود مسئولیت‌پذیری ۰/۷۲ و ترک شغل ۰/۶۵ است. به‌طورکلی نتایج هر دو روش حاکی از اعتبار قابل قبول این مقیاس است روایی سازه مقیاس توسط تحلیل عاملی اکتشافی تعیین شد و نتایج نشان داد که سه عامل ۵۴/۶۹ درصد از واریانس را توصیف می‌کنند (دمیر و همکاران، ۲۰۲۱).

#### ب) سیاهه تجدیدنظرشده اختلال شخصیت وابسته (dependent personality inventory-DPI): سیاهه شخصیت وابسته در

سال ۲۰۰۴ توسط هوبر به‌منظور ارزیابی بیماران مبتلا به اختلال شخصیت وابسته ساخته شده است این سیاهه در ابتدا دارای ۸۱ ماده بود که نسخه تجدیدنظرشده آن در سال ۲۰۰۷ به ۵۵ ماده کاهش یافت. این سیاهه شامل ۸ معیار اصلی راهنمای آماری و تشخیصی اختلال‌های روانی برای اختلال شخصیت وابسته است. در مورد نمره‌گذاری به هریک از پاسخ‌های صحیح یک نمره به پاسخ‌های غلط صفر تعلق می‌گیرد. در پژوهشی که هوبر در سال ۲۰۰۷ انجام داد ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون ۰/۹۰ و برای زیر مقیاس‌ها بین ۰/۶۴ تا ۰/۸۲ به‌دست آمد. به‌منظور بررسی اعتبار از زیر مقیاس درون‌گرایی اجتماعی پرسشنامه شخصیتی مینه‌سوتا استفاده شد. ساختار دو عاملی سیاهه شخصیت وابسته براساس همبستگی آن با زیرمقیاس درون‌گرایی اجتماعی پرسشنامه مینه‌سوتا به اثبات رسید و اعتبار سازه آن تأیید شد. در ایران نیز در پژوهش مظاهری نژاد فرد و همکاران (۱۳۹۸) اعتبار این ابزار را ۰/۶۶ و روایی آن را نیز مطلوب گزارش نمودند.

#### ج) مقیاس وابستگی به دیگران (interpersonal dependency scale-IDS): این مقیاس یک ابزار ۴۸ ماده‌ای است برای

سنجیدن افکار و احساس‌های مربوط به نیاز به مراد به نزدیک با اشخاص ارزشمند توسط هر شفیلد و همکاران در سال ۱۹۷۷ ساخته شده است. تحلیل عاملی منجر به وجود سه خرده‌مقیاس شد: اتکا عاطفی به دیگران، فقدان اعتماد به خود و تأیید خودمختاری. این مقیاس از همسانی درونی خوبی با دامنه اعتبار دو نیمه‌کردن ۰/۷۹ تا ۰/۹۱ برخوردار است. همچنین با توجه به اینکه دو خرده‌مقیاس اول این مقیاس همبستگی معناداری با مقیاس روان رنجورخوبی پرسشنامه شخصیت مادلر دارد از روای همزمان خوبی برخوردار است. در ایران نیز قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲)، در بررسی اعتبار این مقیاس با روش دو نیمه‌کردن برای سه زیر مقیاس اتکا عاطفی به دیگران، فقدان اعتماد به خود و تأیید خودمختاری به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۶، ۰/۸۴ و با روش آلفای کرونباخ نیز ۰/۷۲ را بدست آوردند (حسینی اردکانی، ۱۳۹۹).

### • یافته‌ها

بر اساس تحلیل‌های توصیفی، بیشترین فراوانی نمونه مربوط به گروه سنی ۱۸ تا ۲۴ سال (۶۳/۴ درصد) بود و کمترین فراوانی به افراد ۳۷ سال به بالا (۰/۲ درصد) اختصاص داشت. از نظر مقطع تحصیلی، ۵۴/۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۳۱/۴ درصد کارشناسی ارشد و ۱۴/۵ درصد در مقطع دکتری تخصصی مشغول به تحصیل بودند. همچنین، ۶۸/۸ درصد از شرکت‌کنندگان مجرد، ۳۰/۷ درصد متأهل و ۰/۷ درصد متارکه کرده بودند. نمونه پژوهش از تمامی دانشکده‌های دانشگاه گیلان انتخاب شد که بیشترین سهم مربوط به دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم کشاورزی و علوم پایه بود.

در جدول ۱، شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی گزارش شده است. به‌منظور بررسی پایایی مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی بازآزمایی استفاده شد.

جدول ۱. آمار توصیفی و آلفای کرونباخ مقیاس سندرم سیندرلا

مقیاس	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	آلفای کرونباخ	ضریب باز آزمایی
نگرش جنسی	۳۸/۷۳	۶/۴۲	-۰/۳۸	-۰/۸۱	۰/۸۲	۰/۷۳
پذیرفتن مسئولیت	۲۲/۳۸	۴/۳۶	-۰/۲۲	۰/۲۵	۰/۷۷	۰/۷۶
ترک شغل	۲۲/۷۲	۴/۳۱	-۰/۰۵	-۰/۲۸	۰/۸۰	۰/۷۴
کل مقیاس	۸۳/۸۳	۸/۶۲	۰/۰۸	-۰/۲۴	۰/۷۲	۰/۷۹

با توجه به اینکه چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش بین ۲- تا ۲۱ است، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک و تحلیل عامل تأییدی کوواریانس محور استفاده کرد. برای بررسی همسانی درونی مقیاس ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد. نتایج نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۲ است، که این مقدار بیانگر سطح مطلوبی از همسانی درونی است. همچنین، ضرایب بازآزمایی مربوط به هر یک از زیرمقیاس‌ها نیز در محدوده قابل قبول و مطلوب قرار داشتند، که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب و اعتبار مناسب در طول زمان است. (جدول ۱).

جدول ۲ مؤلفه استخراج شده و همچنین ماده‌های مربوط به آن را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، تحلیل‌های توصیفی برای همه ماده‌ها انجام گرفته است. براساس اطلاعات، کجی و کشیدگی تمام ماده‌ها در بازه ۲- تا ۲+ قرار دارد. بنابراین استفاده از روش‌های پارامتریک امکان‌پذیر است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی ماده‌ها، بارهای عاملی مؤلفه‌ها و ضرایب همسانی درونی آنها

ماده‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	همبستگی ماده با نمره کل	بار عاملی	آلفای کرونباخ	آلفا در صورت حذف ماده
ماده ۱	۳/۲۹	۰/۹۷	-۰/۲۱	-۰/۲۸	۰/۳۱	۰/۵۹		۰/۷۹
ماده ۶	۳/۵۶	۰/۹۳	-۰/۳۸	-۰/۲۲	۰/۳۷	۰/۵۵		۰/۷۹
ماده ۸	۳/۴۷	۰/۹۷	-۰/۴۵	۰/۰۳	۰/۴۴	۰/۷۵		۰/۷۸
ماده ۱۰	۳/۵۶	۰/۹۹	-۰/۱۸	-۰/۸۹	۰/۳۴	۰/۴۷		۰/۸۰
ماده ۱۲	۳/۵۰	۱/۰۴	-۰/۳۴	-۰/۴۵	۰/۳۱	۰/۵۵	۰/۸۱	۰/۷۹
ماده ۱۳	۳/۵۷	۰/۹۷	-۰/۲۴	-۰/۴۹	۰/۳۵	۰/۵۵		۰/۸۰
ماده ۱۴	۳/۵۶	۰/۹۳	-۰/۳۱	-۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۴۶		۰/۷۹
ماده ۱۵	۳/۵۰	۰/۹۷	-۰/۳۲	-۰/۲۹	۰/۳۸	۰/۴۸		۰/۸۰
ماده ۲۰	۳/۵۸	۰/۹۴	-۰/۳۱	-۰/۱۰	۰/۲۹	۰/۳۹		۰/۷۹
ماده ۲۳	۳/۴۸	۰/۹۲	-۰/۴۴	-۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۵۶		۰/۷۹
ماده ۳	۳/۱۵	۰/۸۵	-۰/۰۹	-۰/۰۲	۰/۲۸	۰/۵۹		۰/۷۷
ماده ۴	۳/۳۰	۰/۹۸	-۰/۰۶	-۰/۵۶	۰/۳۸	۰/۶۳		۰/۷۳
ماده ۵	۳/۳۱	۰/۹۷	۰/۰۵	-۰/۸۰	۰/۳۱	۰/۶۱		۰/۷۴
ماده ۱۶	۳/۱۳	۰/۹۷	۰/۱۲	-۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۶۸	۰/۷۷	۰/۷۴
ماده ۱۷	۳/۰۸	۱/۰۲	۰/۲۳	-۰/۶۹	۰/۳۵	۰/۶۸		۰/۷۳
ماده ۱۸	۲/۹۸	۰/۸۷	۰/۰۹	-۰/۲۹	۰/۳۱	۰/۶۹		۰/۷۴
ماده ۲۵	۳/۳۸	۱/۰۱	-۰/۰۷	-۰/۷۹	۰/۴۰	۰/۶۹		۰/۷۲
ماده ۲	۳/۴۴	۰/۸۶	-۰/۲۵	-۰/۴۰	۰/۳۵	۰/۷۸		۰/۷۷
ماده ۷	۳/۱۶	۰/۹۴	۰/۰۷	-۰/۶۲	۰/۴۰	۰/۷۲		۰/۷۷
ماده ۱۱	۳/۱۱	۰/۸۵	-۰/۱۲	-۰/۳۱	۰/۳۵	۰/۶۰		۰/۷۹
ماده ۱۹	۳/۴۱	۰/۹۷	-۰/۱۴	-۰/۶۵	۰/۴۳	۰/۷۰	۰/۸۰	۰/۷۷
ماده ۲۱	۳/۲۷	۰/۹۲	-۰/۱۷	-۰/۴۷	۰/۴۲	۰/۷۳		۰/۷۷
ماده ۲۲	۳/۲۰	۰/۹۳	-۰/۰۹	-۰/۴۲	۰/۴۱	۰/۷۰		۰/۷۷
ماده ۲۴	۳/۰۸	۰/۸۷	۰/۰۹	-۰/۵۷	۰/۳۱	۰/۶۶		۰/۷۸

نگرش جنسی

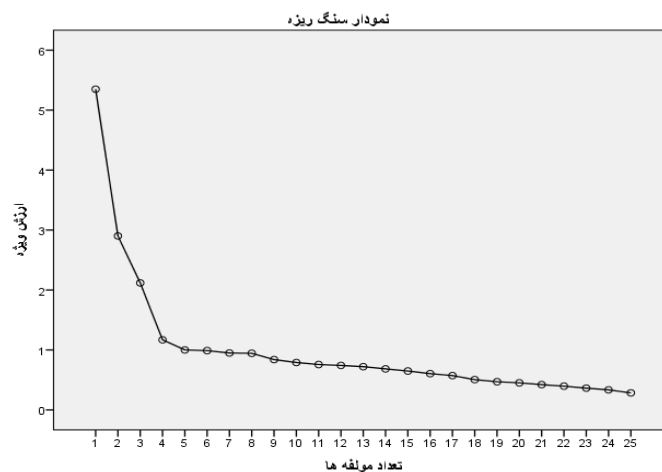
نیود  
مسئولیت‌پذیری

ترک شغل

\*همبستگی‌ها در سطح خطای نوع اول ۰/۰۵ معنادار است.

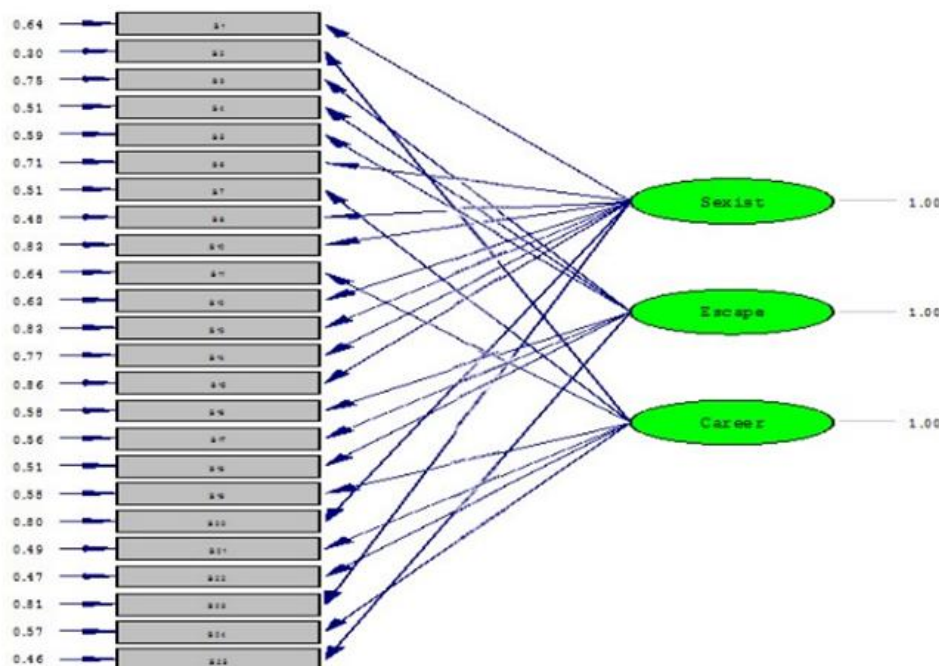
به منظور بررسی روایی محتوایی، از دیدگاه متخصصان روان‌شناسی استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که مقادیر ضریب روایی محتوا برای تمامی ماده‌ها در محدوده ۰/۸۰ تا ۱ قرار گرفت که همگی بالاتر از مقدار آستانه تعیین شده در جدول لاوشه بودند؛ از این رو، تمامی ماده‌ها به عنوان موارد ضروری و با اهمیت برای ابزار پژوهش تأیید شدند. همچنین شاخص روایی محتوا برای کل ابزار بیش از ۰/۶۳ محاسبه شد که نشان‌دهنده وضوح، تناسب و سادگی مطلوب ماده‌ها است.

در ادامه، تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. با اجرای یک تحلیل عاملی اولیه، مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مورد بررسی قرار گرفت. مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری (Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling adequacy) برابر با ۰/۸۳ بود که این مقدار نشان داد که نمونه حاضر از کفایت مطلوبی برای تحلیل برخوردار است. همچنین، آزمون کرویت بارتلت (Bartlett's Test of Sphericity) نیز از لحاظ آماری معنادار بود ( $\chi^2 = 1338/25$ ,  $p < 0/001$ ) که این مقدار از قابلیت اجرای تحلیل عاملی بر داده‌ها پشتیبانی کرد. نمودار اسکری (Scree plot) مربوط به سهم ارزش ویژه عوامل در تصویر شماره ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. نمودار اسکری مربوط به ارزش ویژه تعیین شده

در جریان تحلیل عاملی مقیاس از روش چرخش واریماکس استفاده شد. ماده شماره ۹ که وزن عاملی آن کمتر از ۰/۳ بود، حذف شد. در مجموع سه مؤلفه ارزش ویژه بالاتر از یک داشت که در مجموع ۴۳/۰۳ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کرد.



شکل ۲. مدل سه عاملی برازش یافته مقیاس سندرم سیندرلا

جدول ۳ ضرایب استاندارد شده و مقادیر  $t$  آنها را در مدل سندرم سیندرلا نشان می‌دهد. همان‌طور که گزارش شده است همه ضرایب مطلوب هستند و مقادیر  $t$  مربوط به آنها بالا است و در سطح  $0/001$  معنادار هستند (جدول ۳). در ادامه برای بررسی شاخص‌های برازش مدل از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که نتایج در جدول ۴ بیان شده است. اگرچه شاخص مجذور کا معنادار بود ولی با توجه به این که این شاخص در مواردی که حجم نمونه بالاست معنادار می‌شود، می‌توان از آن چشم‌پوشی نمود. در عوض به جای شاخص مجذور خی به تفسیر شاخص دیگری به نام نسبت مجذور خی بر درجه آزادی می‌پردازند. حاصل تقسیم شاخص مجذور خی بر درجه آزادی برابر با  $1/47$  است که پایین‌تر از مقدار بحرانی ۳ است شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد در این مدل برابر با  $0/02$  است. شاخص‌های برازش مقایسه‌ای، شاخص برازش هنجار شده، شاخص برازش هنجار نشده، شاخص برازش فزاینده، شاخص نیکویی نسبی به ترتیب برابر با  $0/95$ ،  $0/88$ ،  $0/94$ ،  $0/95$  و  $0/87$  به دست آمد و با توجه به این که اکثریت مقادیر این شاخص‌ها بالای  $0/9$  و یا نزدیک به  $0/9$  است، در نتیجه نشانگر برازش مطلوب مدل هستند (جدول ۴).

جدول ۳. ضرایب استاندارد شده و مقادیر  $t$  در مدل اندازه‌گیری سندرم سیندرلا

مقدار $t$	ضرایب استاندارد	ماده‌ها
۸/۴۵	۰/۶۰	۱ من معتقدم که تنها از طریق ازدواج می‌توانم تا پایان عمر محافظت و حمایت شوم.
۷/۳۷	۰/۵۳	۶ همسر امن باعث می‌شود هرگز احساس تنهایی نکنم و همیشه برای رفع این نیاز به او وابسته باشم.
۱۰/۷۴	۰/۷۳	۸ در روابط، مرد محافظ است و زن فرد محافظت‌شده.
۵/۴۸	۰/۴۱	۱۰ تشکیل خانواده، همسر و مادر بودن برای من جذاب‌تر از زندگی آزاد و مستقل است.
۸/۶۲	۰/۶۱	۱۲ هر زنی آرزو می‌کند که روزی یک مرد زندگی او را بهتر کند.
۵/۶۱	۰/۴۲	۱۳ هر زن باید منتظر باشد که یک شاهزاده با اسب سفید باشد که او را نجات دهد.
۶/۴۶	۰/۴۸	۱۴ تصور وابستگی به همسر مرا اذیت نمی‌کند؛ برعکس، باعث ایجاد حس امنیت در من می‌شود.
۴/۹۷	۰/۳۷	۱۵ وظیفه اصلی زن این است که محیط خانوادگی را بر اساس انتظارات همسرش آماده کند.
۴/۹۷	۰/۴۵	۲۰ زن باید به گونه‌ای رفتار و صحبت کند که مرد احساس برتری کند.
۵/۸۶	۰/۴۴	۲۳ زن باید نسبت به همسرش که از او محافظت می‌کند مطیع باشد.
۷/۱۰	۰/۵۰	۳ مردان باید بیشتر از زنان کار کنند و مسئول فراهم کردن زندگی راحت و تامین نیازهای زنان باشند.
۱۰/۶۸	۰/۷۰	۴ این فرصت بزرگی است که زنان می‌توانند در مشکلات از حمایت‌های همسرشان استفاده کنند.
۹/۴۵	۰/۶۴	۵ هنگام انتخاب همسر، مطمئن می‌شوم که او کسی باشد که مرا از زیر بار مسئولیت‌ها نجات دهد.
۹/۷۱	۰/۶۵	۱۶ فکر می‌کنم احساس امنیتی که همسرم به من می‌دهد، حق من است.
۹/۹۶	۰/۶۶	۱۷ می‌خواهم مرد زندگی‌ام مسئولیت زندگی و رفاه مرا به عهده بگیرد.
۱۰/۶۸	۰/۷۰	۱۸ مرد باید زندگی راحتی به زن فراهم کند، چرا که او به تنهایی قادر به تامین این نیازها نیست.
۱۱/۴۵	۰/۷۴	۲۵ انتظار دارم همسرم از من همانند والدینم حمایت کند.
۱۴/۲۵	۰/۸۴	۲ زنان پس از ازدواج، باید ساعت اشتغال خود را کاهش دهند.
۱۰/۹۲	۰/۷۰	۷ اگر جاه‌طلبی شغلی زیادی داشته باشم، به نظر می‌رسد که ویژگی‌های زنانه خود را از دست خواهم داد.
۸/۸۶	۰/۶۰	۱۱ زن باید برای موفقیت همسرش فداکاری کند و در صورت لزوم از رویاهای خود دست بکشد.
۹/۴۸	۰/۶۵	۱۹ زنان باید مشکلات رابطه جنسی خود را نادیده بگیرند و با کمترین پرسش و اعتراض با این مشکلات کنار بیایند.
۱۱/۱۹	۰/۷۲	۲۱ زن باید نسبت به همسر خود مطیع و فداکار باشد تا در سنین پیری رها نشود.
۱۱/۳۹	۰/۷۲	۲۲ به نظر من جذابیت، مطیع و زنانه بودن یک زن مهم‌تر از این است که بتواند از خودش مراقبت کند و مستقل رفتار کند.
۹/۹۸	۰/۶۶	۲۴ وقتی صحبت از ازدواج به میان می‌آید، ترجیح می‌دهم از موفقیت‌ها و موقعیت‌های شغلی خود دست بکشم.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل سندرم سیندرلا

شاخص	Df	$X^2$	$X^2/df$	RMSEA	CFI	NFI	NNFI	IFI	RFI
مقدار	۲۴۹	۳۶۶/۱۴	۱/۴۷	۰/۰۲	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۸۷

در ادامه جهت ارزیابی روایی پرسشنامه، از ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های سندرم سیندرلا با مقیاس تجدیدنظرشده اختلال شخصیت وابسته و مقیاس وابستگی به دیگران محاسبه شد. همان‌گونه که در جدول ۵ مفروض است، ضرایب همبستگی پیرسون گزارش شده در ماتریس همبستگی نشانگر آن است که همبستگی معناداری در سطح معناداری ۰/۰۱ بین سندرم سیندرلا و خرده‌مقیاس‌های آن با اختلال شخصیت وابسته و وابستگی به دیگران به صورت مثبت وجود دارد که نشان‌دهنده چگونگی روایی همگرای مقیاس است.

جدول ۵. همبستگی پیرسون میان سندرم سیندرلا و اختلال شخصیت وابسته و وابستگی به دیگران

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. نگرش جنسی	۱					
۲. نبود مسئولیت‌پذیری	۰/۱۸**	۱				
۳. ترک شغل	۰/۲۰**	۰/۲۳**	۱			
۴. سندرم سیندرلا (نمره کل)	۰/۴۵**	۰/۵۱**	۰/۳۹**	۱		
۵. اختلال شخصیت وابسته	۰/۳۱**	۰/۱۱*	۰/۲۵**	۰/۳۱**	۱	
۶. وابستگی به دیگران	۰/۳۷**	۰/۱۷**	**۰/۲۱	۰/۲۷**	۰/۱۴*	۱

P\*\* < 0/01 \*P < 0/05

## ● بحث

هدف پژوهش حاضر، ترجمه، بومی‌سازی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سندرم سیندرلا در نمونه‌ای از دانشجویان زن ایرانی بود. نتایج به‌دست‌آمده به‌طور کلی نشان داد که نسخه فارسی این ابزار از اعتبار، روایی و ساختار عاملی قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر برای سنجش سندرم سیندرلا در بافت فرهنگی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

در گام نخست، بررسی شاخص‌های اعتبار نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده برای خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل، همگی در دامنه قابل قبول قرار دارند. این یافته بیانگر آن است که ماده‌های هر خرده‌مقیاس از همسانی درونی مناسبی برخوردار بوده و سازه‌های موردنظر را به‌صورت منسجم اندازه‌گیری می‌کنند. افزون‌بر این، ضرایب بازآزمایی مطلوب حاکی از ثبات زمانی مقیاس است و نشان می‌دهد که سازه سندرم سیندرلا در بازه زمانی مورد بررسی از پایداری نسبی برخوردار است. این نتایج با یافته‌های پژوهش دمیر و همکاران (۲۰۲۱) همسو بوده و بر قابلیت اعتماد این ابزار در سنجش ویژگی‌های وابستگی روانی و نگرش‌های مرتبط با آن تأکید می‌کند. در ادامه، روایی محتوایی مقیاس با بهره‌گیری از قضاوت متخصصان مورد بررسی قرار گرفت. مقادیر مطلوب شاخص‌های CVI و CVR نشان داد که ماده‌ها از نظر ضرورت، وضوح و تناسب مفهومی، به‌خوبی نمایانگر سازه سندرم سیندرلا هستند. این امر حاکی از آن است که فرایند ترجمه و تطبیق فرهنگی مقیاس با دقت انجام شده و محتوای ماده‌ها با زمینه فرهنگی جامعه ایرانی هم‌خوانی دارد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که در ابزارهای مرتبط با نقش‌های جنسیتی، حساسیت فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ روایی ابزار ایفا می‌کند.

یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که ساختار مقیاس سندرم سیندرلا در نمونه ایرانی از سه عامل متمایز شامل نگرش جنسی، نبود مسئولیت‌پذیری و ترک شغل تشکیل شده است. این سه عامل در مجموع حدود ۴۳ درصد از واریانس کل مقیاس را تبیین کردند که در پژوهش‌های روان‌سنجی مقدار قابل قبولی تلقی می‌شود. حذف یک ماده با بار عاملی پایین نیز نشان‌دهنده دقت فرایند پالایش ماده‌ها و تلاش برای دستیابی به ساختاری شفاف و معنادار است. همسویی این ساختار عاملی با الگوی ارائه‌شده توسط سازندگان اصلی مقیاس، بیانگر ثبات مفهومی سازه سندرم سیندرلا در بافت‌های فرهنگی متفاوت است. در مرحله بعد، تحلیل عاملی تأییدی برای بررسی برازش مدل سه‌عاملی انجام شد. نتایج CFA نشان داد که بارهای عاملی ماده‌ها در دامنه مطلوب قرار دارند و همگی به‌طور معناداری سازه‌های نهفته مربوطه را اندازه‌گیری می‌کنند. شاخص‌های برازش مدل نیز، علی‌رغم معناداری آزمون مجذور کای (که با توجه به حجم نمونه قابل انتظار است)، حاکی از برازش مطلوب مدل با داده‌ها بودند. به‌ویژه مقدار پایین RMSEA و مقادیر قابل قبول شاخص‌های CFI، NNFI و IFI نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری پیشنهادی از انسجام ساختاری مناسبی برخوردار است. این یافته‌ها بار دیگر اعتبار ساختار سه‌عاملی سندرم سیندرلا را تأیید کرده و با نتایج دمیر و همکاران (۲۰۲۱) هم‌خوانی دارد. از منظر روایی همگرا، نتایج همبستگی‌های معنادار و مثبت بین نمره کل سندرم سیندرلا و خرده‌مقیاس‌های آن با اختلال شخصیت وابسته و وابستگی

به دیگران، نشان‌دهنده هم‌پوشانی مفهومی این سازه با الگوهای وابستگی روانی است. این یافته‌ها مؤید آن است که سندرم سیندرلا، همان‌گونه که در چارچوب نظری مطرح شده، با گرایش‌های وابسته‌محور، نیاز به حمایت بیرونی و واگذاری مسئولیت‌های فردی ارتباط دارد. در عین حال، شدت همبستگی‌ها در سطح متوسط باقی مانده است که می‌تواند بیانگر تمایز نسبی این سازه از اختلال شخصیت وابسته و تأکید بر ماهیت نگرشی-فرهنگی سندرم سیندرلا باشد.

### • نتیجه‌گیری

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نسخه فارسی مقیاس سندرم سیندرلا از ویژگی‌های روان‌سنجی قابل قبولی برخوردار است و می‌تواند در پژوهش‌های آتی و همچنین در محیط‌های مشاوره و روان‌درمانی مورد استفاده قرار گیرد. کوتاه‌بودن مقیاس و سهولت اجرا از مزایای عملی این ابزار محسوب می‌شود که امکان استفاده از آن را در غربال‌گری‌های بالینی و پژوهش‌های میدانی فراهم می‌سازد. با این حال، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. نمونه پژوهش صرفاً از دانشجویان دختر یک دانشگاه انتخاب شده است و این امر تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌کند. افزون‌بر این، غلبه شرکت‌کنندگان مجرد در بازه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال ممکن است الگوی خاصی از نگرش‌های وابسته‌محور را بازتاب دهد. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این مقیاس در نمونه‌هایی با دامنه سنی گسترده‌تر، وضعیت‌های تأهل متفاوت و بافت‌های فرهنگی متنوع مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بررسی رابطه سندرم سیندرلا با متغیرهایی نظیر سبک دلبستگی، رابطه با والدین، تجربه‌های دوران کودکی و همبودی با سایر اختلالات روان‌شناختی می‌تواند به درک عمیق‌تر این سازه کمک کند.

### • تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

### • تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است. نویسندگان وظیفه خود می‌دانند تا مراتب قدردانی و سپاسگزاری خودشان را از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر که دانشجویان دختر دانشگاه گیلان بودند و همچنین از مسئولان این دانشگاه اعلام نمایند.

### • منابع

سرمد، و، بازرگان، ع، و حجازی، ا. (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه.

- Cohen, R. J., & Swerdlik, M. E. (2018). *Psychological testing and assessment: An introduction to tests and measurement* (9th ed.). McGraw-Hill Education.
- Demir, A., Kaya, L., Turan, M., & Vural Butik, M. (2021). Cinderella syndrome in women with fear of independence: Developing a scale. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 8(1), 1–14. <https://doi.org/10.17220/ijpes.2021.8.1.236>
- Dowling, C. (1998). *Cinderella complex: The fear of independence in contemporary women* (S. Budak, Trans.). Oteki.
- Eagly, A. H., & Wood, W. (2023). The nature–nurture debates: 25 years of challenges in understanding gender development. *American Psychologist*, 78(3), 299–312. <https://doi.org/10.1037/amp0000307>
- Eatesamipour, R., & Pourmohseni-Koluri, F. (2025). Psychometric properties of the Emotional Literacy Skills Questionnaire. *Journal of Psychology*, 29(3), 395–405. <https://doi.org/20.1001.1.18808436.1404.29.3.10.2>
- Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: Employing structural equation modeling to test for construct validity. *Journal of Business Logistics*, 20(1), 33–57. [https://doi.org/10.1016/0005-7967\(94\)00076-V](https://doi.org/10.1016/0005-7967(94)00076-V)
- Hirschfeld, R. M., Klerman, G. L., Gouch, H. G., Barrett, J., Korchin, S. J., & Chodoff, P. (1977). A measure of interpersonal dependency. *Journal of Personality Assessment*, 41(6), 610–618. [https://doi.org/10.1207/s15327752jpa4106\\_6](https://doi.org/10.1207/s15327752jpa4106_6)
- Hoe, S. L. (2008). Issues and procedures in adopting structural equation modeling technique. *Journal of Applied Quantitative Methods*, 3, 76–83. <https://doi.org/10.2196/70302>
- Hoelter, D. R. (1983). The analysis of covariance structures: Goodness-of-fit indices. *Sociological Methods & Research*, 11(3), 325–344. <https://doi.org/10.1177/0049124183011003003>

- Hosseini Ardakani, A. (2020). The effectiveness of emotion-focused therapy on social anxiety and interpersonal dependency in women attending wellness centers. *New Ideas in Psychology*, 8, 82–92. <https://doi.org/10.22034/3.1.195> {persian}
- Huber, N. M. (2007). *Dependent personality inventory (DPI): A scale to assess dependent personality subtypes based on DSM-IV-TR criteria* (Doctoral dissertation, Cleveland State University).
- Hyde, J. S., Bigler, R. S., Joel, D., Tate, C. C., & van Anders, S. M. (2022). The future of sex and gender in psychology. *American Psychologist*, 77(2), 171–186. <https://doi.org/10.1037/amp0000307>
- Mazaheri Nejadfard, G., Hossein Thabit, F., & Barjali, A. (2018). The effectiveness of acceptance and commitment therapy on interpersonal dependence and action control of dependent personality disorder. *Applied Psychological Research (Psychology and Educational Sciences)*, 10(3), 161–176. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.897426> {persian}
- Ozer, D., Karatas, Z., & Ergun, O. R. (2019). Analysis of gender roles in primary school (1st to 4th grade) Turkish textbooks. *Eurasian Journal of Educational Research*, 79, 1–20. <https://dergipark.org.tr/tr/pub/ejer/issue/42986/520483>
- Rudman, L. A., Moss-Racusin, C. A., Phelan, J. E., & Nauts, S. (2012). Status incongruity and backlash effects: Defending the gender hierarchy motivates prejudice against female leaders. *Journal of Experimental Social Psychology*, 48(1), 165–179. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2011.10.008>
- Sadeghzadeh, M., Jafari, M., & Ghomatipour, N. (2024). Psychometric properties and factor structure of Persian version of Premenstrual Coping Measure. *Journal of Psychology*, 28(1), 55–65. <http://iranapsy.ir/Article/40716> (Persian)
- Saha, S., & Safri, T. S. (2016). Cinderella complex: Theoretical roots to psychological dependency syndrome in women. *The International Journal of Indian Psychology*, 3(3), 118–122. <https://doi.org/10.25215/0303.148>
- Sivo, S. A., Fan, X. T., Witta, E. L., & Willse, J. T. (2006). The search for optimal cutoff properties: Fit index criteria in structural equation modeling. *The Journal of Experimental Education*, 74(3), 267–288. <https://doi.org/10.3200/JEXE.74.3.267-288>
- Sneha, S., & Rahmath, F. (2018). A study of relationship between Cinderella complex and personal growth among young females. *Indian Journal of Psychological Science*, 10(1), 102–107. <http://doi.org/10.5281/zenodo.2532314>
- Su, T., & Xue, Q. (2010). The analysis of transition in woman social status: Comparing Cinderella with Ugly Betty. *Journal of Language Teaching & Research*, 1(5), 746–752. <https://doi.org/10.4304/jltr.1.5.746-752>
- Torabi, S. S., & Hassanabadi, H. (2023). Psychometric indices of Zuckerman's Sensation Seeking Scale: A factor for predicting students' academic procrastination. *Journal of Psychology*, 27(3), 263–273. <http://www.iranapsy.ir/Article/40593> {persian}
- Vescio, T. K., Gervais, S. J., & Snyder, M. (2023). Gender stereotypes and power dynamics in close relationships. *Personality and Social Psychology Review*, 27(1), 3–24. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.88.4.658>